

۲۲۸۰۲۲۷



فرهیختگی از بچگی

فلسفه با کودکان
برای والدین، آموزگاران و مربیان

نویسنده: فردریک لُنوار
مترجم: کورش مرادیان



سرشناسه	: لنوار، فردریک، ۱۹۶۲ - م. Lenoir, Frédéric
عنوان و نام پدیدآور	: فرهیختگی از بچگی: فلسفه با کودکان برای والدین، آموزگاران و مربیان/ نویسنده فردریک لنوار؛ مترجم کورش مرادیان.
مشخصات نشر	: تهران: نشر مهاجر، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۵-۲۱۸-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: <i>Philosopher et méditer avec les enfants</i> , 2016
	: عنوان دیگر: فلسفه با کودکان برای والدین، آموزگاران و مربیان.
موضوع	: کودکان و فلسفه
موضوع	: <i>Children and philosophy</i>
	: آموزش و پرورش دوران اولیه کودکی — فلسفه
	: <i>Early childhood education -- Philosophy</i>
شناسه افزوده	: مرادیان، کورش، ۱۳۵۲ - ، مترجم
رده بندی کنگره	: B۱۰۵
رده بندی دیویی	: ۱۰۸/۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۷۶۴۸۱۲



فرهیختگی از بچگی: فلسفه با کودکان برای والدین، آموزگاران و مربیان

نویسنده: فردریک لنوار

مترجم: کورش مرادیان

چاپ اول: ۱۴۰۱

قیمت: ۸۰,۰۰۰ تومان

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۵-۲۱۸-۳

نشانی دفتر: خیابان انقلاب، خ فخر رازی، بن بست نیک پور پ ۵ طبقه اول

ایمیل: nashr_mohajer@yahoo.com

تلفن: ۶۶۹۵۲۲۰۰ - ۶۶۴۱۰۰۳۶

این کتاب با کاغذ حمایتی وزارت ارشاد چاپ شده است.

فهرست

۹	مقدمه مترجم
۱۱	پیشگفتار
۱۷	فصل اول: تمرین توجه
۱۹	مدیتیشن بودایی و حضور نام
۲۲	روش انجام مدیتیشن
۲۳	تمرین توجه با بچه‌ها
۲۴	چیزی که بچه‌ها و مربیان از آن حرف می‌زنند
۲۹	فصل دوم: تمرین فلسفه
۳۱	آیا فلسفه برای شروع، نیاز به سن خاصی دارد؟
۳۶	فلسفه با بچه‌ها: مختصری راجع به مکان‌ها
۳۹	قواعد اصلی و ده توصیه:
۴۶	چند گزارش
۵۳	فصل سوم: کارگاه‌های فلسفه
۵۵	خوشبختی چیست
۶۵	هیجان (احساساتی شدن) چیست؟
۷۷	عشق چیست؟
۸۹	یک دوست یعنی چه؟
۵۹	آیا انسان هم گونه‌ای حیوان است؟

۱۰۳	آیا خشونت را باید با خشونت پاسخ داد؟
۱۱۹	تفاوت میان اعتقاد داشتن و دانستن در چیست؟
۱۲۷	مرگ بهتر است یا عمر ابدی؟
۱۳۵	آیا زندگی معنایی دارد؟
۱۴۵	یک زندگی موفق یعنی چه؟
۱۵۹	فصل چهارم: بیست انگاره‌ی بزرگ در بیست برگه
۱۶۱	پول
۱۶۳	هنر
۱۶۵	دیگری
۱۶۷	زیبایی
۱۶۹	خوشبختی
۱۷۱	بدن و روان
۱۷۳	علاقه
۱۷۵	تعهد
۱۷۷	هیجان
۱۷۹	موجود انسانی
۱۸۱	آزادی
۱۸۳	اخلاق
۱۸۵	مرگ
۱۸۷	مذهب
۱۸۹	جامعه
۱۹۱	زمان
۱۹۳	شغل
۱۹۵	حقیقت
۱۹۷	خشونت
۱۹۹	عشق

چند تلنگر

یکم. من را اگر قبول ندارید همسالان و هم نسلان شاهد که ما در زمینه و زمانه ای کودکی کردیم که فرمان یک کارگاه تولیدی نبود، انبار بود... ما انبار داری میکردیم و بزرگترهای همه چیز دان، با غیرت و جدیت قابل تحسین، محتویات این انبار را فراهم میکردند.

همانها هم لطف میکردند و نشانمان میدادند کدام قفسه جای چیست و چه ها را باید نگه داشت و چه چیزها را باید دور ریخت.

اگر هنوز هستند عاقبت بخیر و اگر نیستند آمرزیده باشند که در این وظیفه هرگز کوتاهی نکردند به سواد و تجربه و کمالات و ربط و نسبت هم دخلی نداشت، همینکه او بزرگتر می بود و تو کوچکتر کفایت میکرد و وظیفه گر میگرفت؛ حتی اگر این بزرگتر، لات و جاهل محل بود یا فامیل دوری که تازه از زندان خلاص شده.

دوم. اما بار اصلی را مدرسه به دوش میکشید. آنجا همه دلسوزانه منتظر تو بودند تا ترا تربیت کنند. بیش از تو فکرت را، خیر ببینند که حتی قبل از اینکه تو را ببینند و بشناسند، دلسوزانه، مسیر فکرت را خط کشی ها کرده بودند. و خط کش را هم، محض احتیاط، همیشه دم دست داشتند تا اگر سربراه و اهل نبودی آنرا با سرود: "تربیت نا اهل را چون گرد کان بر گنبد است"، دلسوزانه بکار ببرند.

سوم. گذشت و ثمر دادیم و تبدیل شدیم به این که حالا هستیم. انبارمان به دوش و گامهایمان میان خط کشی ها. یک چند صباح عمر اگر داشتیم و یک چند قلم اگر هنر، اولی صرف آه و افسوس شد و دومی صرف پاکسازی انبار و شستن خط کشی ها. و حالا که خودمان شده ایم بزرگترها، کوچکتر که می بینیم، دست و پایمان را گم می کنیم. چون نه دوست داریم و نه بلدیم چیزی یاد کسی بدهیم. البته چیزی که چیز باشد.